



عهد و گفتگو

COVENANT & CONVERSATION



درس هایی پیرامون اخلاق
ربای لرد جانانان ساکس



با سپاس از بنیاد Wohl Legacy برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو

تفسیر هفتگی تورات

To the Third and Fourth Generations

Ki Teitse

نسل های سوم و چهارم: کی تیتسه

در ظاهر یک تناقض اساسی در تورات وجود دارد. از یک سو در بخشی به نام سیزده صفت احسان چنین می خوانیم:

خداوند، خدای شفقت و مهر، دیرخشم و سرشار از احسان و حقیقت... اما گناهکار را برکنار نمی دارد و بازماندگان و فرزندان تا نسل سوم و چهارم را به سبب گناهان پدران آنها مقصر می شمارد. (خروج ۳۴:۷)

منظور روشن است.

فرزندان از گناهان پدران رنج خواهند برد. از سوی دیگر در پاراشای این هفته می خوانیم:

والدین را نباید به جای فرزندانشان کشت و فرزندان را نباید به جای والدینشان کشت. هر فردی فقط به خاطر گناهان خودش به مرگ محکوم شود. (تثنیه ۲۴:۱۶)

کتاب دوم پادشاهان رویدادی تاریخی را بازگو می کند که چگونه این اصل قطعی شد: وقتی آمازیا به عنوان شاه مستقر شد، افسرانی را که پدرش را کشته بودند، کشت. اما او فرزندان قاتلان را نکشت، زیرا او فرمان خدا را که موسی در تورات نوشته بود، اجرا کرد: "والدین را نباید به جای فرزندانشان کشت و فرزندان را نباید به جای والدینشان کشت. هر فردی فقط به خاطر گناهان خودش به مرگ محکوم شود" کتاب دوم پادشاهان ۶-۵:۱۴.

این یک انقلاب آشکار است. بیانیۀ اول به عدالت الهی برمی گردد که "در دست آسمان ها" است. بیانیۀ دوم در سفر تثنیه به عدالت انسانی برمی گردد که در یک محکمۀ قانون اجرا می شود. چگونه انسان های میرا می توانند بفهمند که جنایت یک نفر تا چه اندازه زیر تاثیر دیگران انجام شده است؟ آشکار است که روند قضایی باید خود را محدود به واقعیت های قابل مشاهده نگه دارد. کسی که مرتکب جرم شده، تقصیرکار است. پرورش دهندگان او مقصر نیستند.

اما موضوع این قدرها ساده نیست، زیرا یرمیا و حزقیال، دو نبی بزرگ دوران تبعید در قرن ششم، پیش از میلاد اصل مسئولیت فردی را به صورتی بس همسان دوباره بیان می کنند. یرمیا می گوید:

در آن زمان دیگر آدم ها نخواهند گفت "پدران انگور ترش خوردند و دندان های فرزندان کند شد". برعکس، هر کس به دلیل گناه خود می میرد؛ هر کس انگور ترش بخورد، دندان خودش کند می شود. یرمیا ۳۰-۲۹:۳۱.

حزقیال می گوید:

کلام خدا به من رسید: "منظور شما مردم از این ضرب المثل دربارهٔ سرزمین اسرائیل چیست که: "پدران انگور ترش خوردند و دندان های فرزندان کند شد؟" خداوند متعال اعلام می کند که "در اسرائیل دیگر این ضرب المثل را نخواهید گفت. زیرا همه به من تعلق دارند، والدین و فرزندان به یکسان از آن من هستند. کسی که گناه می کند همان کسی است که خواهد مرد." (حزقیال ۴-۱: ۱۸)

اینجا انبیاء دربارهٔ روندهای قضایی و قانونی سخن نمی گویند. آنها از عدالت الهی می گویند. در یکی از سخت ترین روزگاریها در تاریخ یهودیان به مردم امید می دهند: در زمان تسخیر سرزمین توسط بابل و خرابی معبد اول. باید به مردمی که در کنار نهرهای بابل نشسته بودند و اشک می ریختند، امید داده می شد. آنها را به خاطر شکست پدرانشان که تبعید را برای مردم رقم زدند، سرزنش می شدند و گویی تبعید آنها تا همیشه ادامه می یافت. حزقیال در رویای دشت استخوان های مردگان از خدا می شنود که مردم می گفتند: "استخوان های ما خاک شده اند و امید ما از دست رفته است." (حزقیال ۳۷: ۱۱). او و یرمیا برای مقابله با ناامیدی سخن می گفتند. آیندهٔ قوم در دستان خود آنها بود. اگر به خدا بازگشت می کردند، خدا به سوی آنها برمی گشت و آنها را به سرزمین شان بازمی گرداند. تقصیر نسل های گذشته به آنها نمی چسبید.

اما اگر چنین باشد، کلام یرمیا و حزقیال واقعا باید با این ایده در تناقض باشد که خدا گناهان را تا سه و چهار نسل مجازات می کند. تلمود با تایید آن به گونه ای درخشان می گوید:

ربی یوسه بن حینا گفت: سرور ما موسی چهار حکم منفی درمورد اسرائیل صادر کرد، اما چهار تن از انبیاء آمدند و آنها را باطل کردند. موسی گفت: "خداوند فرزندان و فرزندان آنها را تا نسل سوم و چهارم مجازات می کند." حزقیال آمد و اعلام کرد "هر کس که مرتکب گناه شود، همان کس خواهد مرد." (مکوت ۲۴ ب)

در کل حکیمان تلمودی این ایده را که فرزندان حتی از سوی آسمان به دلیل گناهان پدران خود مجازات شوند را رد کردند. در نتیجه، آنها هر بخش که معنای خلاف آن را می داد که فرزندان به خاطر گناهان پدران مجازات می شوند را به طور منظم بازتفسیر کردند. موضعگیری کلی آنها چنین بود:

پس فرزندان به خاطر گناهان پدران خود کشته نمی شوند؟ نوشته شده "حساب کردن گناهان پدران با فرزندان؟" این اشاره به فرزندانی دارد که به راه پدران خود می روند [کارهای پدران را دنبال می کنند، یعنی همان گناهان را مرتکب می شوند]. (براخت ۷ الف، سنهدرین ۲۷ب)

به ویژه آنها رویدادهای تورات را که در آنها فرزندان همراه پدران مجازات شده اند تفسیر کرده، گفتند که در این موارد فرزندان "قدرت اعتراض و جلوگیری والدین از ارتکاب به گناه را داشتند، اما چنین نکردند." [سنهدرین ۲۷ الف؛ یالکوت شیمونی ۱:۲۹۰]. به گفته موسی بن مایمون، هر کس قدرت جلوگیری کسی از ارتکاب به گناه را داشته باشد، ولی چنین نکند، او به خاطر آن گناه مسئول شناخته می شود [یعنی مجازات می گردد].¹

¹ Hilchot Deot 6:7.

پس آیا آن گونه که برخی پژوهشگران می گویند، ایده مسئولیت فردی بعدها در یهودیت بیان شد؟ بسیار بعید است که چنین باشد. در جریان شورش قورح وقتی خدا تهدید به نابودی قوم کرد، موسی گفت: "اگر یک نفر گناه کند تو به کل جماعت خشم می گیری؟" (اعداد ۱۶:۲۲). پس از آنکه مردم به دنبال گناه سرشماری کردن داوود پادشاه شروع به مردن کردند، او به درگاه خدا چنین دعا کرد: "من گناه کرده ام. من، این چوپان، خطا کرده ام. آنها گوسفندان هستند، گناه آنها چیست؟ باشد که دست تو بر من و خداندانم دراز شود." [کتاب دوم شموئل ۲۴:۱۷] اصل مسئولیت فردی برای یهودیت جنبه اساسی دارد، همان گونه که در فرهنگ های باستانی دیگر در خاور نزدیک چنین بود.²

اما آنچه مطرح است، فهم عمیق گستره مسئولیتی است که داریم اگر نقش خود به عنوان والدین، همسایه، هم محلی، شهروند و فرزندان عهد را جدی بگیریم. از نظر قضایی فقط مجرم برای جرم خود مسئول است. اما تورات می خواهد بگوید که ما همچنین نگه دارنده برادران خود هستیم. ما مسئولیت جمعی برای سلامتی اخلاقی و روحانی جامعه داریم. حکیمان می گویند "همه جماعت اسرائیل مسئول یکدیگر هستند" (شاورووت ۳۹ ب). مسئولیت قانونی یک چیز است و تعریف آن آسان است. اما مسئولیت اخلاقی امری بزرگتر و طبعا مبهم تر است.

موسی بن مایمون در سفر همیصووت می نویسد: "فرد نباید بگوید که من که گناه نکرده ام و اگر کسی مرتکب گناه شد، این امری بین او و خدا است."³

² See Yehezkel Kaufmann, *The Religion of Israel*, New York, Schocken, 1972, pp. 329-333.

³ *Sefer ha-Mitzvot*, positive command 205.

به ویژه چنین است وقتی مناسبت میان والدین و فرزندان در میان است. به گفته تورات ابراهیم برگزیده شد فقط برای آنکه "فرزندان و خاندان خود را رهنمود بدهد تا راه های خدا را با انجام آنچه درست و عادلانه است، نگه دارند." (پیدایش ۱۸:۱۹). وظیفه والدین در دادن رهنمود به فرزندان در یهودیت اهمیت اساسی دارد.

این اصل در دو پاراگراف اول دعای شمع اسرائیل و نیز چندین جا در بخش "چهار نوع فرزند" از کتاب هگادا بیان می شود. موسی بن مایمون می گوید یکی از بزرگترین گناهان را که خدا برای آن اجازه توبه نمی دهد، در مورد "کسی است که می بیند پسرش به راه های بد می رود، ولی او را متوقف نمی کند." او دلیل این امر را چنین بیان می کند: "از آنجا که پسرش در زیر اقتدار او است، اگر او را متوقف می کرد، مرتکب گناه نمی شد." پس اگر پدر فعالانه موجب گناه پسر بشود، این گناه به پای او نیز نوشته می شود.⁴

با این وصف حقیقت را در سیزده صفت احسان می بینیم. قطعاً ما مسئول گناهان والدین یا فرزندان خود نیستیم. اما در معنایی عمیقتر و کلی تر کارها و روش زندگی ما تاثیر بر آینده نسل های سوم و چهارم فرزندان ما دارد.

این تاثیر به روشنترین شکل در کتاب های دو منتقد اجتماعی متفکر آمریکایی توصیف شده است: چارلی موری از American Enterprise Institute و رابرت پوتمان از *Coming Apart* هاروارد. با وجود رویکردهای متفاوت آنها به سیاست، موری در کتاب *Our Kids* همان هشدار پیامبران را در مورد فاجعه ای انسانی و در حال شکل گیری بیان کرده اند. پوتمان می گوید که رویای آمریکایی در خطر بحران است.⁵

⁴ Hilchot Teshuvah 4:1. The reference is of course to a son under the age of thirteen.

⁵ Robert Putnam, *Our Kids: The American Dream in Crisis* (New York: Simon & Schuster, 2015).

موری به شکافی در ایالات متحده اشاره می کند میان دو طبقه که دیگر انتقال از یکی به دیگری ممکن نیست و این امر آنچه آمریکا را آمریکا کرده در خطر انداخته است.⁶

استدلال آنها به فشرده‌گی این است که زمانی در اواخر دهه ۵۰ یا اوایل دهه ۶۰ قرن بیستم، مجموعه‌ای از نهادها و قواعد در آمریکا شروع به زوال کردند. خانواده‌ها شکاف برداشتند. فرزندان بیشتری دور از خانواده و والدین بیولوژیکی خود بزرگ شدند. شکل‌های جدیدی از فقر کودکان ظاهر شدند و آسیب‌های اجتماعی مانند مواد مخدر و الکل، بارداری نوجوانان، جنایت و بیکاری در مناطق کم‌درآمد گسترش یافتند. در طول زمان، یک طبقه ثروتمند سربرآورد و در حال حاضر با قدرت فرزندان خود را برای پیشرفت‌های بالا آماده می‌کنند، در حالی که آن دسته دیگر بدون کوچکترین امیدی به آموزش و موفقیت اجتماعی و حرفه‌ای بزرگ می‌شوند. رویای آمریکایی فرصت برای همه محو می‌شود.

آنچه این تغییرات را بسیار اسفبار می‌کند، این است که مردم این حقیقت توراتی را که کارهای ما فقط روی ما تاثیر نمی‌گذارند، فراموش کرده‌اند. کارهای ما تا نسل سوم و چهارم ما را تحت تاثیر قرار می‌دهد. حتی بزرگترین لیبرال‌های زمان ما یعنی جان استیوارت میل بر روی مسئولیت‌های والدین تاکید می‌کرد و نوشت:

به دنیا آوردن یک انسان از بزرگترین مسئولیت‌های زندگی هر فرد است. اجرای این مسئولیت زندگی بخشیدن به یک انسان – که می‌تواند هم لعنت باشد و هم

⁶ Charles Murray, *Coming Apart: The State of White America, 1960–2010* (New York: Crown Forum, 2012), p. 11.

برکت- اگر همراه نباشد با دادن امکان یک زندگی مطلوب به او، جنایتی است
علیه آن فرد.⁷

اگر ما نتوانیم مسئولیت های خود به عنوان والدین را اجرا کنیم - حتی اگر هیچ قانونی ما را
مسئول آن نداند- فرزندان آن جامعه هزینه آنرا پرداخت می کنند و به خاطر گناهان آنها
رنج می کشند.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط شیریندخت
دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org f t @ v @RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved

⁷ On Liberty and Other Writings, ed. Stefan Collini (New York: Cambridge University Press, 1989), p. 117.